

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۷ - ۷۷

## پرواداری پرواداران: نگرشی اخلاقی - حقوقی به شغل مادرانه با تکیه بر اخلاق مراقبت از منظر ایوا فدر کیتای<sup>۱</sup>

دیبا جعفری<sup>۳</sup>

### چکیده

اخلاق مراقبت یا پروا، به مثابه اخلاقی فمینیستی در قرن بیستم، حیات خویش را آغاز نمود. ایوا فدر کیتای، یکی از نظریه پردازان اصلی اخلاق مراقبت، "مولود یک مادر بودن" و "تجربه وابستگی محض" را نقطه اشتراک تمامی انسان ها دانسته و مراقبت را با توجه به وابستگی ذاتی انسان، واجد ویژگی‌های لازم برای تلقی آن به عنوان کار توصیف می‌نماید. این دیدگاه مفهوم لیبرال کار مبتنی بر رابطه مالکیت و قابلیت تولید را کنار زده و با تأکید بر ارتباطات متقابل آدمیان، شکنندگی نوع آدمی و وابستگی‌های تودرتوی بشر، مفهوم دیگری از کار ارائه می‌نماید. وی با به کارگیری مفهوم "دولیا"، دولت را متعهد به پرواداری و مراقبت از پرواداران می‌داند.

در این پژوهش، نظر به بهره‌گیری از عبارت "شغل مادرانه" در ماده ۱۰ سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، رویکرد قانونگذار در پرواداری زنان، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، از نظر گذارانیده شده است.

### واژگان کلیدی

اخلاق مراقبت، ایوا فدر کیتای، پرواداری، زنان شاغل، شغل مادرانه.

۱. این تعبیر از کتاب پروای دیگران: درآمدی بر فلسفه اخلاق مراقبت؛ نوشته: دکتر مریم نصر اصفهانی برگرفته شده است.

۲. بدین وسیله صمیمانه و خاضعانه از زحمات استاد دانشمند، جناب آقای دکتر رحیم نوبهار، دانشیار گروه حقوق اسلامی دانشگاه شهید بهشتی که در پی گشودن دری از اخلاق بر دانشجویان حقوق هستند، قدردانی می‌شود.

۳. دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

## طرح مسأله

اخلاق مراقبت یا پروا که از قلمرو روانشناسی و با کتاب "صدای متفاوت" کارول گیلیگان جان گرفت و با آثار فیلیسوفان دیگری چون نل نادینز، سارا رادیک، ویرجینیا هلد و ایوا فدر کیتای تقویت گردید؛ مادری را به مثابه منبعی برای اندیشه اخلاقی تلقی می‌نماید (نصر اصفهانی، ۱۳۹۹: ۱۰۹). در میان فیلسوفان این مکتب، ایوا فدر کیتای، مفهوم وابستگی را ستون خیمه استدلالی خود در اخلاق مراقبت قرار داده است و بر آن است که رابطه بر مبنای وابستگی، می‌بایست پیش قراول سیاستگذاری عمومی و بحث درباره برابری انسان‌ها باشد. بر مبنای این نظریه، انسان‌ها موجوداتی هستند که از طریق روابطشان با دیگران، هم از نظر نیازهای بدنی و هم از نظر احساسی حمایت می‌گردند. اگر چه شکل این روابط ممکن است بسته به شرایط تغییر نماید، اما در هر حال روابط انسانی، اساس بقا و شکوفایی ما است (Engster & Hamington, 2015: 12). این نظریه، جزئیت به معنای سنجش موقعیت خاص عمل و عاطفه را مبنای ترجیح عمل اخلاقی قرار می‌دهد (عبدی و علی مردی، ۱۴۰۲، ۵۵).

امروزه تحقیقات گسترده‌ای در سنجش اعمال اصول اخلاقی در مراودات انسانی، میان خویشتن و همچنین با محیط اطراف، محیط زیست و... صورت گرفته است. (طاهری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۹) از سوی دیگر، تعهد دولت‌ها بر فراهم سازی مفاهیمی نظیر امنیت مفهومی گسترده‌تر یافته و شادکامی و بهروزی و سلامت روانی و فردی و... را نیز در بر می‌گیرد (یوسفی و رحمت‌اللهی، ۱۴۰۲: ۳۴۳). جعل تکلیف مراقبت برای دولت‌ها و پیوند مراقبت به عنوان عملی اخلاقی با کار، به عنوان امری واجد جنبه فردی و در عین حال اجتماعی و سیاسی، مفهومی است که می‌توان آن را به ویژه به فمینیست آمریکایی ایوا فدر کیتای نسبت داد. او این استدلال را در کتاب خود به نام "کار عشق" بیان کرد که در آن تأکید می‌کند که مراقبت از افراد وابسته، "کار" است. رویکرد کیتای از اخلاق مراقبت، نه تنها در بردارنده تعهد به پروای دیگران در عرصه روابط بین افراد است که به حیطه سیاسی نیز، گسترش می‌یابد.

پژوهشهایی که قواعد حقوقی را از منظر اخلاق بنگرد، بسیار اندک است. حقوقدانان، حقوق را فرا اخلاقی<sup>۲</sup> دانسته‌اند و البته نه غیر اخلاقی<sup>۳</sup> (راسخ، ۱۴۰۱: ۱۰۴) و از این روی، پژوهش‌های تطبیقی چندانی در حوزه حقوق و اخلاق صورت نگرفته است؛ از منظر حقوقدانان، قانون امری الزامی دانسته شده است که به هر روی و صرف‌نظر از محتوای اخلاقی آن،

1. Love's labor  
2. Amoral  
3. Immoral

می‌بایست اجرا گردد. رویکردی که به دید برخی در حقوقدانان، قضات و وکلا به بی‌تفاوتی اخلاقی و خطرناک توصیف شده است (Nicolson & Webb, 2000: 178) صرف‌نظر از رویکردهای مختلفی که در خصوص دخالت اخلاق در وضع و استنباط قواعد حقوقی آمده است، اخلاق به تعبیر ریپر چون خون در رگ‌های حقوق گردش می‌نماید (احسانی فر و هوشمند، ۱۴۰۲: ۵۵۶) و به این جهت، نمی‌تواند و نباید که زنان را که ستون پروا‌داری در خانواده و اجتماع هستند؛ مغفول انگارد. با این شرح، آنجا که سر و کار حقوق با خانواده می‌افتد؛ خانواده که شاکله اصلی جامعه است و ذاتش با پروا و پروا‌داری در هم آمیخته است؛ طفل ناتوان را می‌پرورد و خستگی کهنسالی را مرحم می‌نهد؛ رویکرد قانون نیز در همسازی بیشتری با اخلاق پروا‌مدارانه به نظر می‌رسد.

کیتای در مقاله خود با عنوان "نظریه عدالت به عنوان شرایط منصفانه زندگی اجتماعی با توجه به وابستگی اجتناب‌ناپذیر ما و وابستگی متقابل ما"<sup>۱</sup> به مفهوم مراقبت به عنوان مبنای عدالت اشاره می‌کند. (Kittay, 2015: 286) وی با نگرشی جدید به رویکرد عدالت رالز، برنامه سیاسی و حقوقی را با محوریت مراقبت و وابستگی پیشنهاد می‌نماید. از منظر او، انتخاب آدمیان در "پس پرده جهل"<sup>۲</sup>، اصول حاصله در جهت حفظ و ارتقای مراقبت خواهد بود. کیتای در تبیین ایده خود به مفهوم دیگری به نام دولیا<sup>۳</sup> می‌پردازد که در این نوشتار و در تبیین شغل مادرانه از منظر حقوقی به آن خواهیم پرداخت. با این تعبیر، کار از نظر وی و شماری دیگر، امری فراتر از رابطه مالکیت و قدرت مولد می‌باشد. این رویکرد موجبات این را فراهم می‌آورد که آنچه از منظر سنتی و به مفهوم رایج کلمه کار پنداشته نمی‌شود؛ کار واجد ارزش شناسایی شود که اجلی مصداق آن، خدمات مراقبتی ارائه شده عمدتاً از طرف زنان است. (Szymala, 2022, 174)

در خصوص اخلاق مراقبت، پژوهش‌هایی فلسفی به زبان فارسی صورت گرفته است که "پروای دیگران: در آمدی بر فلسفه اخلاق مراقبت" دکتر مریم نصر اصفهانی و "درباره مراقبت" میلتنون میراف با ترجمه نامبرده در زمره سرآمدان آن است. پژوهش‌های حقوقی با رنگ اخلاق مراقبت، محدود به پژوهش‌هایی محدود در عرصه حقوق پزشکی و مسئولیت‌های ناشی از آن است.

1. A theory of justice as fair terms of social life given our inevitable dependency and our inextricable interdependency

۲. رالز برای تبیین نظریه عدالت خویش، شرایطی را وصف می‌نماید که افراد در وضعیت نخستین با کنار نهادن باورهای دینی و اخلاقی خود و با فرض اینکه نمی‌دانند دارای چه جنسیت، قوم، نژاد، طبقه و سایر ویژگیها و امتیارات شخصی هستند (به تعبیر او در پس پرده های جهل)، بر عدالت توافق می‌نمایند. برای مطالعه بیشتر رج. رالز، جان، قانون مردمان، ترجمه جعفر محسنی، تهران: انتشارات ققنوس

3. Doulia

اما موضوع تأثیر اخلاق مراقبت در تقنین و نقش دولتها در این میان به انحای مختلف موضوع پژوهش‌هایی به زبان انگلیسی بوده است. مقاله "کار به عنوان مراقبت، مراقبت به عنوان کار: کمک او فدر کیتای و سیبیل آ. شوارتزناخ به درک ارزش کار" (Szymala, 2022) - که در این نوشتار، بیشترین بهره‌برداری از آن گردیده است - بر تلقی کار به عنوان مراقبت متمرکز است. لی (Ley, 2022) در مقاله‌ای با عنوان "اخلاق مراقبت و آینده کار: صدایی متفاوت"<sup>۱</sup>، بر دگرگونی مفهوم کار با توسعه تکنولوژی و اخلاق مراقبت پرداخته است. همچنین رساله‌ای با موضوع "اختصاص زمان برای مراقبت در انگلستان" (Allard, 2021)<sup>۲</sup> نگاشته شده است که مفهوم دولیا در آن به عنوان مبنای جبران مالی زمان صرف شده جهت مراقبت به کار گرفته شده است. همچنین "وابستگی متقابل و مسئولیت‌های شهروندی" و ارتباط آن با عدالت اجتماعی در مقاله دیگری مورد بررسی قرار گرفته است. (Deacon, 2015) موضوع از منظر نظریه سیاسی نیز بررسی شده است که کتاب "اخلاق مراقبت و نظریه سیاسی"<sup>۳</sup> (Engster and Hamington, 2015) مجموعه‌ای از مقالات در این خصوص است. خانم کیتای که در نوشتار حاضر بر نظریه ایشان تمرکز گردیده است؛ دارای مقالات متعددی در این خصوص بوده که به فراخور موضوع از آنها بهره برده شده است. بداعت نوشتار، اولاً انعکاس ایده دولیای کیتای به زبان پارسی و ثانیاً، تلفیق دو رویکرد حقوقی و اخلاقی به موضوع اشتغال زنان در قانون ایران است. در این مقاله با رویکرد تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، موضع حقوقی قانونگذار ایرانی در قوانین مربوط به اشتغال زنان را با دیدگاه اخلاق مراقبت با خوانش ایوا فدر کیتای، خواهیم آزمود. به این منظور ابتدا مختصری از اخلاق مراقبت و سپس نظریه کیتای مبنی بر رابطه وابستگی خواهد آمد. در ادامه مفهوم مراقبت به مثابه کار از نظر خواهد گذشت و در بخش پایانی، حقوق ایران در خصوص شغل مادرانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نظریه یاد شده، دید عمیق تری نسبت به فعالیت انسانی را اقتضا می‌نماید؛ نگرشی که تنها ارزش تولیدی کار را ملاک قرار می‌دهد به چالش می‌کشد؛ چه اینکه مراقبت بر خلاف کار معمول نه بهره اقتصادی انسان، که بقای نوع بشر را در پی دارد. اگر چه از طرح مفهوم "تلقی مراقب به عنوان کار"، دیر زمانی نمی‌گذرد و در نظام حقوقی با احتساب مراقبت به عنوان شغل فاصله دارد؛ اما قانون کاهش ساعت کاری را گامی در این خصوص می‌توان

---

1. Care Ethics and the Future of Work: a Different Voice  
 2. Taking the time to care? A study of employer-provided paid carer's leave in three organisations in the UK  
 3. Care Ethics and Political Theory

دانست نگارنده بر آن است که اگر چه به نظر نمی رسد قانون کاهش ساعت کاری بانوان، دستکم در مقام وضع در راستای لحاظ "مراقبت به مثابه کار" باشد، لکن علی الخصوص با تعبیر "شغل مادرانه" این امکان را فراهم می آورد که موضوع در نظام حقوقی ایران طرح گردد؛ اگر چه که تبعیض میان زنان شاغل در بخش های دولتی و خصوصی در این خصوص، غیر موجه می نماید.

## ۱- اخلاق مراقبت

کارول گیلیگان، با کتاب "صدای متفاوت: نظریه روانشناختی و رشد زنان" (۱۹۸۲)، به عنوان آغازگر رسمی اخلاق مراقبت شناخته می گردد، صدای اخلاقی متفاوتی که او شنید، بر اهمیت قضاوت های موقعیت یافته تأکید می کرد (Williams, 2001, 468) و اهمیت حفظ ارتباط با دیگران را به جای اجرای رسمی قوانین رفتار برجسته می کرد. (Barnes, 2012:25) گیلیگان به این نتیجه رسید که ماهیت محدود استدلال اخلاقی سنتی که حول حقوق رقابتی و استدلال انتزاعی عدالت بنا شده بود، نتوانسته است به درستی، استدلال اخلاقی مبتنی بر مسئولیت ها و روابط را ببیند که مستلزم درک زمینه ای و موقعیتی مراقبت است.

معانی و تعبیر مختلفی از مراقبت ارائه شده است. مراقبت را "ناظر به فعالیت هایی دانسته اند که شامل هر کاری است که ما برای حفظ، ادامه و ترمیم «دنیای» خود انجام می دهیم تا بتوانیم به بهترین نحو ممکن در آن زندگی کنیم. آن "دنیا" شامل بدن ما، روح ما و محیط و اطرافیان ما و همه آنچه در شبکه ای پیچیده در حیات تداوم پذیر ما در هم تنیده است؛ می باشد." (Tronto, 1993: 103) اخلاق مراقبت یادآوری می کند، انسان ها نمی توانند به تنهایی به دنیا بیایند چه برسد به اینکه بعد از به دنیا آمدن بدون دیگران زنده بمانند به عبارت دیگر، نیاز آدمیان به یکدیگر امری ازلی و ابدی است (Ley, 2023:8)

به تعبیر گیلیگان، مراقبت منحصر به یک جنس نیست در واقع مراقبت یک اخلاق فمینیستی است، نه یک اخلاق زنانه (Gilligan, 2014:98) رویکرد مراقبتی به انسان ها و مسائل آنها، نه به مثابه یک مشکل ریاضی، بلکه روایتی از روابطی است که در طول زمان گسترش می یابد (Butchart et al, 2023:297) اخلاق مراقبت از منظر معتقدان به آن، همیشه باید یک سیاست و همچنین یک اخلاق باشد. (Gesser et al, 2021: 4) و به عبارتی حیطه اخلاق مراقبت از امری درون فردی به امری اجتماعی و سیاسی گسترش یابد.

اخلاق مراقبت واکنشی به سیطره عقل بر محاسبات اخلاقی و در نظر نیابردن احساسات در این میان است. چه اینکه در گذر زمان و تاریخ، عنصر عقل گوئیا با مردان عجین شده و ناعقلانیت همنشین زنان است و از این روی زن محصور در خانه و فضای خصوصی و مرد، معداً

فضای عمومی دانسته شده است ( نصر اصفهانی، ۱۳۹۹: ۹۷) به تبع این برتر پنداشتن عقل و مآلاً مردان به عنوان عقلا و سیطره مردان و دیدگاه مردانه بر قلمرو عمومی، کار و تجربیات زنان در قلمرو خصوصی، کم‌ارزش تلقی شده است؛ مادری کردن، فعلی زیستی و غریزی و فاقد ارزش اخلاقی ارزیابی گردیده است. ( همان، ۹۸-۹۹)

در نتیجه این شرایط، بیشتر مراقبت‌ها به نحو سنتی به صورت رایگان انجام شده است. در واقع این خدمات نه واقعاً به صورت مجانی، اما به هزینه زنان ارائه شده است و بنابراین هنگامی که بنا به پرداخت برای آن بوده است نیز، کمترین دستمزد را دریافت کرده است؛ چه اینکه دستکم در تئوری به صورت رایگان در دسترس بوده است. اخلاق مراقبت در تقابل با نظریات با محوریت عقل، بر احساسات تأکید می‌نماید. از منظر قائلان به این نظریه، اخلاق مراقبت نه به معنای آزمون مورد به مورد، که بر مبنای تجربه مشترک جهانی که همانا تجربه مراقبت نمودن و مورد مراقبت واقع شدن است؛ شکل گرفته است. (Held, 2005:9)

## ۲- کیتای و رابطه مبتنی بر وابستگی

از منظر فیلسوفان قائل به اخلاق پروا، مراقبت صرفاً اخلاقیات روابط بین فردی نمی‌باشد. بیان اخلاق مراقبتی ممکن است از آنجا شروع شود ولیکن حتماً این اخلاق به این ارتباطات ختم نخواهد گردید. کیتای با تکیه بر مفهوم وابستگی و برابری ارتباط-بنیاد<sup>۱</sup> و با نپذیرفتن تقابل میان مراقبت و عدالت، برای ورود آن به عرصه سیاسی تلاش چشمگیری نموده است ( Gesser et al, 2021: 6). اخلاق مراقبت اساساً مبتنی بر ارتباط است و به این جهت نیازهای طرف مقابل به عنوان نقطه شروع می‌بایست در نظر گرفته شود. (Tronto, 1993: 108) او تولد از پدر و مادر انسان را مبنای انسانیت می‌داند. به تعبیر او در یکی از مصاحبه‌هایش، "انسان به عنوان فردی که از والدین انسان متولد شده است؛ همان موجودی است که شما آن را نمی‌خورید، همان موجودی است که شما نباید برای مقاصد شخصی خود از آن استفاده ابزاری نمایید و این معیارها صرفاً در خصوص هر کسی که از والدین انسان متولد شده است اعمال می‌شود؛ تولد از پدر و مادر انسان؛ همین و بس"

از منظر او، نفس تولد از پدر و مادر انسان که تنها نقطه مشترک میان تمامی نوع بشر است، انسان‌ها به طور طبیعی در معرض دوره‌های وابستگی قرار می‌دهد (kittay, 2011: 49) نیاز به کمک و پشتیبانی افراد چه در خصوص افراد معلول و ناتوان و چه در خصوص افراد مستقل امری غریب نمی‌باشد. با این تعبیر وابستگی امری عجیب با زندگی آدمی است: (Gesser et al, 2021: 8)

استقلال، عادی بودن و توانایی مشارکت در همکاری اجتماعی، اصطلاحات مطلق با معنای ثابت نیستند، بلکه نسبی هستند (ما ممکن است در این لحظه از زندگی خود نسبتاً مستقل باشیم). معانی آنها مشروط به هنجارهایی است که ما انتخاب کرده‌ایم (با توجه به فلان هنجار، ما عادی هستیم)، و نهادهای اجتماعی و ساختارهای فیزیکی که ساخته‌ایم (با وجود این حمایت‌های اجتماعی و در این محیط ساخته شده، می‌توانم به طور نسبی مستقل عمل کنم (Kittay, 2015: 289) با این شرح انسان، همواره در معرض وابستگی است و نمی‌توان پای وی را بر زمین استقلال (به معنای عدم وابستگی) همواره استوار دانست.

به عقیده وی آسیب‌پذیر بودن، داشتن دوره‌های وابستگی و مسئولیت مراقبت از افراد وابسته، بخشی از ویژگی‌های نوعی گونه ما است. (Kittay, 2011: 56) وجه مشترک آدمیان از منظر کیتای، نه فاعلیت اخلاقی - که در این صورت دستکم معلولان ذهنی از این دایره خارج خواهند ماند - که "فرزند یک مادر بودن" می‌باشد و فرزندگی نه صرفاً به مثابه رشد فیزیکی در بدن یک زن که تجربه پرورش، برآوردن نیازهای مادی و معنوی و آغوش فرد دیگری است. (Gesser et al, 2021: 8) التزام به الگوهای اخلاق مراقبت در اداره جامعه با نگرش به این وابستگی می‌تواند ارزش‌های جدیدی را به حوزه عمومی معرفی کند (Kittay, 2011: 56)

در باب عدالت توزیعی، از منظر او در مدلی که اطراف برابر در یک سیستم عادلانه همکاری اجتماعی شرکت می‌کنند، مفاهیم حاکم عبارتند از عمل متقابل، زمین بازی مساوی<sup>۱</sup> و برابری عادلانه فرصت‌ها. با این فرض که همه به یک اندازه در موقعیت و قدرت قرار دارند، تئوری عدالت با تعبیر رالز صدق می‌نماید. اما تفاوت در اختیارات و موقعیت مستلزم درک دقیق تری از حقوق و مسئولیت‌ها در قبال افرادی است که موقعیت یا اختیار کمتری دارند. با درک این تفاوت، وضع مقررات واجد تبعیض مثبت برای شکوفایی افراد دارای معلولیت حیاتی است و اخلاق مراقبتی توجیهی قوی برای چنین مقرراتی به عنوان استحقاق فراهم می‌کند. تضمین فرصت‌های برابر برای مردم زمانی قابل تحسین است که افراد در موقعیتی باشند که از فرصت‌های ارائه شده استفاده کنند، که مثلاً در مورد معلولان، برخی از آنها نه تنها قادر به استفاده از فرصت‌های به اصطلاح برابر یاد شده نمی‌باشند؛ بلکه توانایی اظهارنظر و حتی تفکر در مورد شرایط یاد شده را ندارند (Kittay, 2011: 57) لذا نظریه اخلاق مراقبت را متمم نظریات عدالت محور دانسته‌اند (عبدی و علی مردی، ۱۴۰۲، ۵۴) لذا در پس پرده جهل، از آنجایی که آدمیان نمی‌دانند بناست از تن و ذهنی سالم برخوردار باشند و یانه، انتخاب آنها مراقبت خواهد بود. کیتای با ارائه مفهوم دولیا، گسترش مفهوم مراقبت از روابط درون فردی به امری اجتماعی

و سیاسی را تبیین می نماید. کیتای بر نقش مراقبتی دولیا به عنوان توانمندساز و تمهید نقش مراقبتی مادر تاکید می کند. (Engster & Hamington, 2015:65). بنابراین، کیتای استدلال می کند که بر مبنای اخلاق مراقبت، وابستگی به عنوان پیش فرضی در تئوری عدالت، می بایست در نظر گرفته شود و از این روی عدالت نه لزوماً توزیع کالاها که حقوق و مسئولیت‌های مقابل و رابطه بنیاد را در نظر می آورد. این تئوری توجه را به نیاز فردی و جمعی انسان‌ها برای ارائه و دریافت مراقبت و ساختارها و حمایت‌های اجتماعی که برای مراقبت لازم است جلب می کند. اخلاق مراقبت همچنین بر نابرابری‌های موجود در ترتیبات مراقبت فعلی تأکید می کند، که در آن مراقبت از نظر اقتصادی و اجتماعی کم‌ارزش است و اغلب توسط گروه‌های به حاشیه رانده شده ارائه می شود. (Loughnane, 2022:2)

### ۳- مراقبت به مثابه کار

اینگونه نیست که مراقبت فقط در تئوری رایگان باشد، در عمل، در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف، مراقبت عمدتاً از کرده زنان و دختران نه تنها بدون هزینه، بلکه بدون حتی اینکه به عنوان امری محترم انگاشته شود؛ ارائه می شود. (Gesser et al, 2021: 4) قاتلان به اخلاق مراقبت، تأکید فراوانی بر این امر دارند که مراقبت می بایست جنسیت زدایی شده و در ضمن به عنوان امری غریزی و ناگزیر حسب طبیعت، تلقی نشود.

مراقبت می بایست کار واجد ارزش و مهارتی که می بایست پرورش داده شود؛ پنداشته شود. ارزش نهادن به مراقبت نه تنها مراقبان که مراقبت شوندگان را نیز دچار ضرر می نماید. علی الخصوص اینکه آدمیان را به عنوان موجوداتی شکننده، هیچ‌گاه نمی توان بی نیاز از مراقبت تلقی نمود. (González, 2014:3)

تعبیر مراقبت به عنوان کار با این ایراد مواجه گردیده است که کار به نحو سنتی به نوعی از فعالیت‌های انسانی اطلاق گردیده است که منجر به تولید محصولی می گردد. از این رو تفاوت بین مراقبت و کار بدیهی به نظر می رسد، زیرا مراقبت "هیچ چیز" تولید نمی کند و مالکیت ناشی از کار، در نتیجه تولید محصول در روند آن کار می باشد.

در برابر این رویکرد سنتی، طرفداران اخلاق مراقبت منجمله شوارزباخ<sup>۱</sup> به نیکی استدلال نموده اند که، وجه اشتراک اقدامات مراقبتی نظیر مراقبت از کودک، پخت غذا، تیمارداری از بیماران، این است که آنها منطقی و با به کارگیری عاطفه، هوش و نیت صورت می گیرد و بر این معنا فعلی اخلاقی (در برابر فعل غریزی و طبیعی) تلقی می گردند. ویژگی دیگری که این فیلسوف برای آنها قائل است اینکه، آنها فعالیت سیاسی هستند، به این معنا که در درون جامعه

سیاسی رخ می‌دهند. اعمال خوب یاد شده، خود، غایت خود به شمار می‌روند. لذا می‌توان آن را به‌عنوان "پراکسیس"<sup>۱</sup> یا یک کنش اخلاقی، مطابق با تعریف ارسطو توصیف کرد. با این مقدمات این فیلسوف قائل می‌گردد که کار مراقبت انجام شده در بستر خانواده، عمل اخلاقی، شایسته احترام و جبران توسط نهاد سیاسی و دولت است. (Schwarzenbach, 1996:120-125).

کیتای نیز در همین راستا، بر طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های معمول زنانه متمرکز می‌شود که توسط مادران، خواهران، همسران، دخترانی انجام می‌شود که مسئولیت مراقبت از وابستگان و بیماران را بر عهده گرفته‌اند. از منظر او مراقبت، یک اصطلاح غیرجنسیتی است، حتی اگر به طور سنتی عمدتاً زنان در این نوع وظایف دخالت داشته باشند. هنگامی که کیتای به مراقبت از افراد وابسته اشاره می‌کند، از واژه "کار" استفاده می‌کند و به این ترتیب بر اهمیت در نظر گرفتن مراقبت به عنوان کار تاکید می‌کند. کاری که با مفهوم وابستگی در هم آمیخته است؛ وابستگی کسانی که نمی‌توانند زندگی مستقل داشته باشند و به طور موقت یا دائم به دیگران وابسته هستند. در واقع، ایده اصلی او که در بسیاری از مقالاتی وی منعکس گردیده است؛ این است که ما از طریق آسیب‌پذیری خود در هنگام وابستگی و هنگام مراقبت از افراد وابسته به هم متصل هستیم (Kittay, 2001: 527). نوع انسان در طول زندگی خود به انحاء مختلف، دچار وابستگی و وابستگی متقابل است. او در کتاب کار عشق خود، نظریه عدالت رالز را از این حیث که واقعیت وابستگی انسان‌ها را در نظر نمی‌آورد؛ کامل نمی‌داند. از منظر او، بینش لیبرالی جامعه که مبتنی بر شخصیت افراد غیر وابسته، منطقی، بالغ و خودکفا است، فاقد ادراک تجربه زنان و لزوم کمک و یاری به وابستگان است. او توزیع برابر مراقبت را، وسیله‌ای برای رسیدن به یک جامعه عادلانه توصیف کرده است.

کیتای معتقد است که مراقبت کار است و از روی نیاز به استراحت، تغییر شغل وجود دارد تا از طریق مراقبت دیگران از مراقب، قوا و سلامت وی برای امر مهم مراقبت حفظ گردد. او برای تبیین این موضوع، مفهوم دولیا را به کار گرفته است. دولیا به معنای زنی است که بعد از زایمان، از زن باردار مراقبت می‌کند تا مادر بتواند از فرزند خود مراقبت کند. زن برای اینکه قدرت و انرژی کافی برای اختصاص دادن به فرزندش را داشته باشد، نیاز به فردی دارد که از او حمایت کند. در نتیجه، کیتای ترتیب جدیدی را برای سیاست دولتی پیشنهاد می‌کند؛ دولت به مثابه دولیایی است که بر مبنای اخلاق عمومی مراقبت، بار مسئولیت اجتماعی را در قبال ارائه دهنده مراقبت به دوش می‌کشد. اصطلاح دولیا، روابط متقابل و تعهداتی که برابری مبتنی بر رابطه ایجاد می‌کند، تبیین می‌نماید، دولیا حمایت لازم را برای مراقبت از کارگر مراقبت (ارائه

دهنده مراقبت) در سلسله ارتباطات مبتنی بر وابستگی فراهم می‌کند. تصور استقلال انسان، به تعبیر کیتای امری توهمی است و انسان در چرخه‌ای از وابستگی زیست می‌نماید و این خود ضرورت اخلاق مراقبت و لزوم لحاظ آن در حیطة تقنین را مشخص می‌سازد (Kittay, 2001:523). وی با بررسی مراقبت بین فردی، نیاز جامعه به حمایت از روابط وابستگی را از طریق یک تحول اجتماعی در ترتیبات مراقبت را نشان داد. به تعبیر وی وابستگی‌های تودرتو، افرادی را که به مراقبت نیاز دارند به کسانی که می‌توانند مراقبت ارائه کنند، متصل می‌کنند و مراقبت‌کنندگان را بیشتر به مجموعه‌ای از حمایت‌ها مرتبط می‌کنند. کیتای نظم سیاسی موجود، که بر تلقی افراد به عنوان موجوداتی مستقل بنا شده است را نقد می‌نماید چه اینکه از منظر وی اصولاً آحاد جامعه، در وهله‌ها و به انحای مختلف، به جهت شرایط نوع انسان، موجوداتی وابسته‌اند؛ ضمن اینکه رویکرد موجود، منجر به عدم لحاظ افراد وابسته و مراقبان آنها و به تعبیر کیتای نامرئی شدن آنها گردیده است.

او بر کار نامرئی زنانی انگشت تأکید می‌نهد که در حوزه خصوصی پنهان است، اغلب دست کم گرفته می‌شود و از حقوق مترتب بر کار بی بهره است. در واقع، زنانی که در خانه کار می‌کنند و از بستگان خود، اعضای نزدیک خانواده مراقبت می‌کنند، از نظر اجتماعی، کار آنها لحاظ نمی‌گردد. از دیدگاه او، نمی‌توان فراموش کرد که ما "همه فرزند مادری هستیم" (Kittay, 2001: 68) و هر یک از ما از عنایت دیگری بهره‌مند شده‌ایم که ما را شایسته سرمایه مراقبت دانسته است؛ بنا بر این اگر دیگری شایسته مراقبت من باشد، من نیز شایسته مراقبت هستم (ibid). این مراقبت متقابل و در نظر گرفتن مفهوم "کار" از نظر وابستگی متقابل می‌تواند بینشی بدیع از کار را فراهم می‌آورد که در رویارویی با ارزش و مفهوم کار امروزی با ویژگی غالب اقتصادی و فردی است. (Szymala, 2022: 178)

به نظر کیتای لازم است وابستگی خود را به عنوان یکی از ویژگی‌های زندگی بشری بپذیریم و روابطی ایجاد کنیم که واقعاً دلسوزانه و محترمانه باشد. همچنین روابط مراقبت، به عنوان روابطی واقعی که مستلزم کار است که باید جبران و به رسمیت شناخته شود، درک گردد. همه افراد در مراحل مختلف زندگی و شرایط سلامتی و عملکردی وارد و خارج از روابط وابستگی می‌شوند، این واقعیت که فرد معلول به کمک یک مراقب نیاز دارد استثنا و یک مورد خاص نیست. لذا جوامع باید به گونه‌ای ساختار یافته باشند و دولت‌ها به گونه‌ای ایفای نقش نمایند که وابستگی اجتناب‌ناپذیر را در یک زندگی باوقار و شکوفا - هم برای مراقبت‌کنندگان و هم برای مراقبت‌کنندگان - فراهم آورند. کار مراقبتی تحقق این تصور از خود است که احساس خوب بودن خودمان به مراقبت و رفاه کافی دیگری گره خورده است، چه زمانی که سخاوتمندانه مراقبت می‌کنیم و هم زمانی که آن را با مهربانی دریافت می‌کنیم (Kittay, 2011:56)

با این شرح، رویکرد سنتی نسبت به حقوق و اخلاق اینگونه بوده است که حقوق را برای نظم در جامعه مدنی و اخلاق را برای فضیلت فردی و شخصیت مستقل انسانی ضروری دانسته اند (عبدی و علی مردی، ۱۴۰۲، ۶۴) اما کیتای بنا به مراتب مشروح در فوق، حقوق بر محور مراقبت را ترویج می نماید.

#### ۴- شغل مادرانه در حقوق ایران

آنگونه که در بخش های پیشین شرح گردید از منظر اخلاق پروا‌داری، مراقبت، کار واجد ارزش تلقی شده و طبق تحلیل کیتای مستلزم ارائه تمهیدات و تسهیلات معمول توسط دولت، برای کارگران مراقبت است. در این بخش به رویکرد قانون ایران در خصوص کار مراقبت مادران شاغل می پردازیم. با این توضیح که "سیاست‌های کلی اشتغال زنان در جمهوری اسلامی" در ماده (۱۰) خود با تأکید بر اهمیت استحکام بنیان خانواده و نقش تربیتی و سازنده زنان در خانه، فراهم آوردن تسهیلات لازم، به مناسب «شغل مادرانه» از قبیل استفاده از مرخصی با حقوق تقلیل ساعت کار، مزایای بازنشستگی با سنوات کمتر خدمت، امنیت شغلی، برخورداری از تأمین اجتماعی در مواقع بیکاری، بیماری، پیری یا ناتوانی از کار را در زمره اولویت‌ها قرار داده است.

#### ۴-۱. مفهوم "شغل مادرانه" در نظام حقوقی ایران

ماده ۱۰ سیاست‌های اشتغال زنان مفهومی از "شغل مادرانه" ارائه نداده است و جستجو در گنجینه قوانین و مقررات ایران حاکی از این امر است که این تنها باری است که در ادبیات تقنینی ایران از این عبارت زیبا استفاده شده است.<sup>۱</sup> عبارتی که می‌تواند واجد معانی عمیقی باشد. چه اینکه مادری خود شغلی است؛ واجد ارزش اقتصادی و اجتماعی و همانگونه که در بندهای پیشین اشاره گردید معدّ و مقتضی حمایت از جانب دولت. از منظر اقتصادی نیز، آمار مراجع رسمی نشان می‌دهد، زنان در اقصاء نقاط جهان، روزانه با انجام میزان زیادی کار بدون دستمزد، مانند تربیت کودک و کارهای خانه، که اغلب دیده نشده و در تولید ناخالص داخلی به حساب نمی‌آیند، به طور قابل توجهی به رفاه اقتصادی کمک می‌کنند. (IMF, 2013, 7) و با توجه به نقش مزبور، توانایی زنان برای مشارکت در بازار کار به دلیل تخصیص بیشتر زمان آنها به کار بدون دستمزد محدود شده است. به طور متوسط، زنان دستکم دو برابر مردان برای مراقبت از کودکان وقت صرف می‌کنند (Duflo, 2012)، در نتیجه زمان را برای اعضای مرد خانواده برای مشارکت در نیروی کار رسمی آزاد می‌کنند. اساساً به همین جهت، در سیاست‌های تشویق فرزندآوری در

1. <https://qavanin.ir/Law/TreeText/84490>

2. Unpaid work

بسیاری از کشورهای، پرداخت به مادران از بابت فرزندآوری و نگهداری فرزندان<sup>۱</sup> مطرح گردیده است (Gruber, 2023, 2) اما به نظر می‌رسد، به قرینه ادامه ماده و نام بردن از حقوق و مزایای شغلی، منظور ماده از شغل مادرانه، شرایط اشتغال زنانی است که علاوه بر ویژگی مادری، اشتغال به کار، اصلاحاً شغل با دستمزد دارند.<sup>۲</sup>

دنیا در پنجاه سال گذشته شاهد انفجار بازار کار توسط مادران کودکان خردسال بوده است. به عنوان مثال، در ایالات متحده، نرخ مشارکت نیروی کار برای مادران دارای کودک زیر ۶ سال از ۳۹ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۶۵ درصد در حال حاضر (۲۰۲۳) افزایش یافته است. سهم مادران دارای فرزندان زیر ۶ سال که در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه کار می‌کنند؛ نیز کم نیست این میزان از ترکیه با ۲۷٪ میزان مشارکت تا هلند با میزان ۸۰٪ مشارکت در نوسان است. (Gruber, 2023, 7) که با توجه به اهمیت نقش مادری، سیاستگذاری در جهت حمایت از مادران را ایجاب نموده است. رویکردهای مختلفی در این خصوص در کشورهای مختلف و در بازه‌های متفاوت زمان اتخاذ گردیده است؛ نیمه وقت نمودن اشتغال مادران، مرخصی‌های اجباری و ارفاقی برای مادران و پدران و پرداخت حقوق به مادران از بابت ایفای نقش مادری در زمره این اقدامات بوده است. در ذیل دو قانونی که در آن شرایط مادران از حیث لزوم صرف وقت برای مراقبت تا حدودی لحاظ گردیده است از نظر خواهد گذشت.

#### ۴-۲. قانون خدمت نیمه وقت بانوان

خدمت نیمه وقت حسب تعریف ارائه شده در ماده ۲ قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان مصوب ۱۳۶۲، به عنوان خدمتی تعریف گردیده است که "ساعات کار آن طبق مقررات این قانون نصف ساعات کار مقرر هفتگی وزارتخانه و مؤسسات مربوط باشد و البته نحوه و ترتیب انجام خدمت نیمه وقت بر اساس ساعات کار وزارتخانه و مؤسسه ذیربط و طبق نظر بالاترین مقام مسئول دستگاه تعیین خواهد گردید"

به تبع تنصیف ساعات کاری بانوان، نصف حقوق گروه و پایه ویا حقوق ثابت و فوق‌العاده شغل و یا مزایای شغل و یا عناوین مشابه دیگر و فوق‌العاده‌ها و مزایایی که به طور مستمر پرداخت می‌شود به آنان تعلق خواهد گرفت و میزان حقوق و مزایای مزبور مشمول مقررات مربوط به حداقل پرداختی به کارکنان شاغل دولت نخواهد بود و همچنین احتساب حقوق بازنشستگی و وظیفه یا مستمری این گونه کارمندان نصف مدت خدمت نیمه وقت منظور و محسوب خواهد گردید.

1. day care fee (DCF)

2. Paid work

فراهم آوردن امکان خدمت نیمه وقت برای بانوان در راستای بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی است که "تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد" را در زمره ضوابط اقتصاد کشور می داند.

از خدمت نیمه وقت در بازه ای از زمان در بسیاری از کشورها اعم از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه استقبال گردید. حسب آمارهای ارائه شده در سال ۲۰۱۶ زنان سهم ۶۰ درصدی از میزان کارهای نیمه وقت داشته اند (خادم پور و دیگران؛ ۱۳۹۹، ۱۸۹) اشتغال پاره وقت به نقطه ورود به بازار کار برای زنانی تبدیل شده است که عرضه نیروی کار آنها به دلیل مسئولیت های خانوادگی محدود شده است. با ایجاد فرصت های شغلی پاره وقت مناسب با پرداخت خوب می توان مجال بازگشت تازه مادران را به فعالیت شغلی فراهم آورد. Grimshaw & Rubery (2015: 52). تسهیل انتقال نهایی از اشتغال پاره وقت به تمام وقت می تواند به دست یافتن زنان به مزایای و فرصت های شغلی درخور توانایی هایشان کمک کند (ILO, 2010) و قانون کاهش ساعت کاری بانوان، به نیکی می تواند مجال چنین امری را فراهم آورد.

البته برخی نیز با این شیوه به کارگیری زنان به این جهت که کار نیمه وقت را در واقع باز توزیع نقش سنتی زنان و محدود نمودن آنان به فعالیتهای خانگی می دانند؛ مخالفت نموده اند. ضمن اینکه مشاغل پاره وقت آنچنان که مادران را از بهره مندی از مزایای شغلی شان محروم می نماید؛ باری از شانه های آنان بر نمی دارد. در بسیاری از موارد انتظارات مقامات بالادست از وظایف و مسئولیت های زنان در یک شغل پاره وقت با مسئولیت هایی که برای یک شغل تمام وقت تعیین شده اند، فاصله چندانی ندارد. ضمن اینکه در عمل، طراحی مجموعه معقولی از وظایف برای یک شغل پاره وقت با چالش های عدیده ای مواجه است. مضاف بر آن مشاغل نیمه وقت میان زنان و در رده های مهارتی پایین طبقه بندی شده است و بنا به جهات مشروحه، مشاغل نیمه وقت توسط بسیاری به عنوان راه نادرست برای جذب زنان به بازار کار و عدالت جنسیتی تعبیر شده است. البته در برابر این ایرادات، یکی از توجیهاات اصلی مشاغل نیمه وقت در سطح دنیا، مدل نقش های جنسیتی ناشی از تعادل بین خانواده و کار است که در آن زنان ضمن کار خانگی، قادر خواهند بود در کارهای تکمیلی با حقوق به صورت نیمه وقت شرکت نموده و کسب حقوق و درآمد نمایند. (Maestripieri, 2023: 244) به عبارت دیگر شرایط شخصی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی برای بسیاری از زنان بدین صورت است که در صورت عدم پذیرش شغل نیمه وقت اساساً فعالیت آنها در بازار کار مقدور نخواهد بود. اما نکته شایان توجه در قانون خدمت نیمه وقت اینکه، اگر چه قانون مزبور به منظور لحاظ شرایط بانوان

شاغل که معمولاً وظیفه مراقبت را بر عهده دارند وضع گردیده است؛ لکن قانون یاد شده، مراقبت را کار تلقی نمی نماید؛ تنها مجال خدمت در نیمه ساعات کاری با بهره مندی از نیمی از حقوق و مزایا را فراهم می آورد.

#### ۴-۳. قانون کاهش ساعت کاری بانوان شاغل دارای شرایط خاص

قانون کاهش ساعت کاری بانوان دارای شرایط خاص در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسید و ساعت کاری زنان مشمول را ۳۶ ساعت با احتساب مزایای ۴۴ ساعت اعلام نمود. لازم به شرح اینکه پیش از قانون مزبور هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۷ بنا به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نامه شماره ۲۴۸۲۰۹ت/۴۷۸۶۳هـ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۶، جبران روز کاری پنج شنبه را برای زنان دارای فرزند زیر ۷ سال و دوره ابتدائی را در سایر روزهای هفته یا از طریق دورکاری تجویز نموده بود.<sup>۱</sup>

قانون مورد بحث ساعت کاری زنان مشروح را ۸ ساعت در هفته کاهش داده است؛ بدون اینکه حقوق و مزایای شغلی متأثر گردد. اگر چه مشمولان قانون یاد شده زنان شاغل در دستگاههای دولتی، بخش غیردولتی اعم از مشمولان قانون کار و قانون تأمین اجتماعی ذکر گردیده‌اند، لکن در وادی عمل قانون صرفاً در بخشهای دولتی اجرایی گردیده است چرا که اولاً توافق مسئولان و مشمولان ناگزیر بوده است و ثانیاً بخش غیر دولتی عملاً تبعیتی از قانون یاد شده ننموده است و عدم تبعیت نیز آنها را با ضمانت اجرای خاصی مواجه نمی نماید. اگرچه تبصره ۳ قانون یاد شده، کارفرمایان بخش غیردولتی را به اعمال تخفیف پلکانی و یا تأمین بخشی از حق بیمه سهم کارفرما به منظور تشویق آنها به اجرای قانون یاد شده؛ نوید داده است، لکن رویکرد عملی بخش خصوصی موید عدم کارایی مشوق مزبور می باشد. ضمن اینکه در تبصره ۷، اعمال احکام این قانون، برای آن دسته از کارکنانی که پیش از تصویب این قانون در بخش غیردولتی به کار گرفته شده اند منوط به تأمین نظر کارفرما توسط دولت دانسته شده است. همچنین تبصره ۶ به منظور تأمین امنیت شغلی مشمولان این قانون در دوران استفاده از مزایای آن، دستگاههای اجرائی و کارفرمایان بخش غیردولتی مشمول این قانون را از اخراج، جابجایی و استخدام جایگزین بانوان از مزایای کاهش ساعات کار، منع نموده است.

در همین راستا بند ۳ ماده ۱۱ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، تشویق به ارائه خدمات

۱. کارکنان زن شاغل در دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری که دارای فرزند زیر هفت سال و یا فرزند دانش آموز دوره ابتدایی می باشند، ساعات کاری خود در روزهای پنجشنبه را می توانند در سایر روزهای هفته با رعایت سقف مقرر در ماده (۸۷) قانون مدیریت خدمات کشوری و یا از طریق دور کاری جبران نمایند."



«اولویت دادن به خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی جامعه و توجه به مصالح آن در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های مرتبط و مؤثر در خانواده» و، در بند (۳) سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری «اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به ویژه در دوران بارداری و شیردهی» مورد تأکید قرار گرفته است. رویکردهای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰ نیز بیانگر آن است که امتیاز مقرر در مصوبه مورد شکایت همسو با احکام یاد شده بوده و دادخواست ابطال حکم مورد شکایت بلاوجه است و خدشه‌ای به اعتبار حقوقی آن وارد نیست. لذا حکم تصویب‌نامه شماره ۲۴۸۲۰۹ت۴۷۸۶۳ هـ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۶ هیأت وزیران که برای کارکنان زن شاغل در دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری که دارای فرزند زیر هفت سال و یا فرزند دانش‌آموز دوره ابتدایی هستند، تسهیلاتی را در نظر گرفته است، حکمی منطقی و در انطباق با بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی است.

## نتیجه گیری

اخلاق مراقبت، این امکان را فراهم می آورد تا دید دقیق تری نسبت به فعالیت های انسانی حفظ شود، اگر چه مراقبت عمدتاً توسط زنان انجام می شود، اما می تواند نقطه مرجع و بخشی از فعالیت حیاتی کل جامعه باشد. از منظر قائلان به این نظریه، ارزش تولیدی کار، اگرچه غیرقابل تردید است، اما نمی تواند تنها موجد ارزش باشد. در نظر گرفتن مراقبت به عنوان کار حاکی از دیدگاه جالبی است که وابستگی نوع آدمیان را مینا قرارداده است. مراقبت می تواند به یکی از عناصر اصلی تبدیل شود که جامعه را به هم پیوند دهد و بر احساس تنهایی و بی تفاوتی غلبه کند که ناشی از نگرش فرد محور و ارزیابی مسائل بر مبنای کارایی اقتصادی است.

وابستگی های تودرتو، واقعیتی که همگان قادر به لمس آن در زندگی روزمره خویش می باشند؛ این وظیفه و مسئولیت را برای دولت و جامعه ایجاد می نماید که روابط کار وابستگی را که در محیط های صمیمی تر اتفاق می افتد، پشتیبانی کند. این خوانش از اخلاق مراقبت، کار مزبور را صرفاً موضوع مناسبات شخصی نمی داند، بلکه که از حوزه خصوصی فراتر رفته و به حوزه های اجتماعی و سیاسی می رسد و بدین ترتیب کار را به امری اخلاقی و حقوق بشری بدل می نماید (Szymala, 2022, 176) همانگونه که کیتای در کتاب کار عشق و مقاله اش در این خصوص، نقدی فمینیستی از نظریه عدالت جان رالز ارائه نموده و مفهومی جایگزین از برابری را تبیین می نماید که روابط مراقبت، وابستگی و کارگران وابستگی را در نظر می گیرد و در گام بعدی مراقبت را با تکیه بر این مبانی، کار تلقی می نماید. وی با آگاهی دادن به مفهوم وابستگی به مثابه مفهومی که تجربه مشترک آدمیان است، تعهد دولت ها را برای پرواداری از پرواداران که به تعبیر او موقتا توانا هستند؛ اعتبار می نماید.

## فهرست منابع

### فارسی

۱. ابدی، سعید رضا؛ تسخیری، مائده. (خرداد ۱۳۹۷). "رویکرد جنسیت محور به حمایت اجتماعی؛ حمایت اجتماعی در حوزه اشتغال و رفع تبعیض علیه زنان"، تحقیقات حقوقی معاهده، دوره دوم، شماره ۲، صص ۹۹-۱۲۸
۲. احسانی فر، احمد؛ هوشمند فیروز آبادی، حسین. (پاییز ۱۴۰۲). "مبانی، کارکردها و جایگاه اصول اخلاقی حاکم بر تفسیر قضایی در نظام حقوقی ایران"، پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال بیست و چهارم، شماره سوم، پیاپی ۶۱، صص ۵۵۵-۵۸۸
۳. برهانی، محسن. (۱۳۹۵). اخلاق و حقوق کیفری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول،
۴. حبیب زاده، محمد جعفر؛ هوشیار، مهدی. (۱۳۹۳). "موقعیت اقلیت‌های دینی در حقوق کیفری ایران در پرتو اصل برابری در مقابل قانون"، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، دوره دوم، صص ۶۱-۸۷
۵. راسخ، محمد. (۱۴۰۱). حق و مصلحت: مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران، انتشارات نی، ویراست دوم، چاپ سوم
۶. طاهری، مسعود، البرزی ورکی، مسعود؛ کیایی، عبدالله. (زمستان ۱۳۹۹). "بررسی اصول اخلاقی و حقوقی زیست محیطی در قراردادهای نفتی"، پژوهش‌های اخلاقی، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۱۵۹-۱۸۲
۷. عبدی، علی؛ علی‌مردی، محمد مهدی. (بهار و تابستان ۱۴۰۲). "بازخوانی نظریه مراقبت از منظر نظریه عدالت رالز"، سال اول، شماره اول، صص ۵۴-۷۴
۸. مفتاحی، مهدی؛ احمدی، محمد صادق؛ نوروزی باغکلمه. (پاییز ۱۴۰۱). "برابری در آراء و نظرات شورای نگهبان با تأکید بر کرامت انسانی"، پژوهش‌های اخلاقی، سال سیزدهم، شماره ۱، صص ۱۱۶-۱۳۸
۹. مومنی راد، احمد، بهبودی کلهری، ساناز. (زمستان ۱۳۹۹). "بررسی تبعیض مثبت بر اشتغال زنان در حقوق ایران"، جستارهای حقوق عمومی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۲-۴۳
۱۰. یوسفی، بهناز، رحمت‌اللهی، حسین. (تابستان ۱۴۰۲). "نقش دولت در امنیت انسانی با رویکرد قانون اساسی و تأثیر آن بر شادکامی"، پژوهش‌های اخلاقی، سال سیزدهم، شماره ۴، صص ۲۰۷-۲۴۶

**English**

11. Barnes, M. (2012). *Care in Everyday Life – an ethic of care in practice*. Bristol: The Policy Press
12. Butchart L, Krumenacker K, Baig A. (2023). "Different approach to medical decision-making in difficult circumstances: Kittay's Ethics of Care". *J Med Ethics*. Apr;49(4):293-299. doi: 10.1136/medethics-2021-107521. Epub 2021 Aug 23. PMID: 34426518.
13. Duflo, E., (2012), "Women Empowerment and Economic Development," *Journal of Economic Literature*, Vol. 50, No. 4: pp. 1051-079.
14. Engster, Daniel & Hamington, Maurice (eds.) (2015). *Care Ethics and Political Theory*. New York, NY: Oxford University Press.
15. Gesser, Marivete & Fietz, Helena.(2021). "Ethics of Care and the Experience of Disability: an Interview with Eva Feder Kittay *Revista Estudos Feministas*", Volume: 29, Issue: 2, Article number: e64987, Published: 22 SEP 2021
16. Gilligan, C. (1982) *In a Different Voice psychological theory and women's development*. London: Harvard University Press
17. Gilligan, C. (2014). "Moral Injury and the Ethic of Care: Reframing the Conversation about Differences". *Journal of Social Philosophy*, 45(1), 89–106
18. González M., Iffland C.(2014). *Care professions and globalization. Theoretical and practical perspectives*, New York <https://doi.org/10.1057/9781137376480>
19. Grimshaw, Damian; Rubery, Jill.(2015). "The motherhood pay gap : a review of the issues, theory and international evidence"; International Labour Office, Inclusive Labour Markets, Labour Relations and Working Conditions Branch. - Geneva: ILO, 2015 (Conditions of work and employment series ; No. 57, ISSN: 2226-8944 ; 2226-8952 (web pdf)),(last visited:2024-11-12)
20. Gruber, Jonathan & Kosonen, Tuomas & Huttunen, Kristiina, (2023). "Paying Moms to Stay Home: Short and Long Run Effects on Parents and Children," NBER Working Papers 30931, National Bureau of Economic Research, Inc
21. Held, Virginia,(2005) ' The Ethics of Care as Moral Theory', *The Ethics of Care: Personal, Political, and Global* (New York, 2005; online edn, Oxford Academic, 1 Feb. 2006), <https://doi.org/10.1093/0195180992.003.0002>, accessed 5 Nov. 2024.
22. International Labour Organization (ILO).(2010). "Women in Labour Markets: Measuring Progress and Identifying Challenges", Geneva.
23. INTERNATIONAL MONETARY FUND.(2013) WOMEN,

- WORK, AND THE ECONOMY: MACROECONOMIC GAINS FROM GENDER EQUITY, IMF Staff Discussion Note, available at: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/sdn/2013/sdn1310.pdf>, ( last visited:2024-11-12)
24. Kittay E.(2001). “A feminist public ethic of care meets the new communitarian family policy”, *Ethics*, Vol. 111, No. 3, pp. 523–547, 10.1086/233525
25. Kittay, E. (2002) *Love's Labor Revisited*. *Hypatia*, 17(3)(2), 237-250.
26. Kittay, E. (2013). “Caring for the long haul: Long-term care needs and the (moral) failure to acknowledge them”.
27. Kittay, E. (2015). “A theory of justice as fair terms of social life given our inevitable dependency and our inextricable interdependency”. In D. Engster & M. Hamington (Eds.), *Care ethics and political theory* (pp. 51–71). Oxford University Press
28. Kittay, E.(1999). *Love's Labor: Essays on Women, Equality and Dependency* New York: Routledge.
29. Kittay, E.(2017). “The Moral Significance of Being Human”. *Proceedings and Addresses of the American Philosophical Association*.
30. Kittay, E.(2019). *Learning from My Daughter: The Value and Care of Disabled Minds* New York: Oxford UP
31. Kittay, E, CARLSON, Licia.(2010). “Introduction: Rethinking Philosophical Presumptions in Light of Cognitive Disability”. In: KITTAY, Eva F.; CARLSON, Licia (Eds.). *Cognitive Disability and Its Challenge to Moral Philosophy* Chichester: Wiley-Blackwell, p. 1-25.
32. Ley, M. (2023). *Care Ethics and the Future of Work: a Different Voice*, *Philosophy and Technology*, ۳۶(1), Article 7. <https://doi.org/10.1007/s13347-022-00604-5>
33. Loughnane, Cliona. (2022), *CareVisions Briefing 1 :Four Key Theorists of the Feminist Ethics of Care* , Available at: <https://static1.squarespace.com/static>
34. Maestriperi, Lara (2023) *Women's Involuntary Part-Time Employment and Household Economic Security in Europe*, *Feminist Economics*, 29:4, 223-251, DOI: 10.1080/13545701.2023.2251991
35. Nicolson, Donald & Webb, Julian. (2000). *The Lawyer's Amoral Role and Lawyer Immorality*. 10.1093/acprof:oso/9780198764717.003.0006.
36. Piasna, Agnieszka & De Spiegelaere, Stan. (2021). *Working time reduction, work-life balance and gender equality* .available at: [https://www.researchgate.net/publication/354209445\\_Working\\_time\\_reduction\\_work-life\\_balance\\_and\\_gender\\_equality](https://www.researchgate.net/publication/354209445_Working_time_reduction_work-life_balance_and_gender_equality)

37. Schwarzenbach S.A, On civic friendship, "Ethics" 1996, Vol. 107, pp. 97-128.
- i. Szymala, K. (2021). Work as care, care as work: The contribution of Eva Feder Kittay and Sibyl A. Schwarzenbach to the understanding of work's value. *Studia Iuridica*, 90(null), 174-184. <https://doi.org/https://doi.org/10.31338/2544-3135.si.2022-90.10>.
38. Tronto, J. C. (1993). *Moral boundaries: A political argument for an ethic of care*. Routledge. Print.
39. Williams, F. (2001) In and beyond New Labour: towards a new political ethics of care. *Critical Social Policy*, 21(4), 467-493